

آیین دادرسی کیفری ۱

دکتر فضل الله فروغی
استادیار دانشگاه شیراز

دکتر عباس م. سورآبادی
استادیار دانشکده حقوق تهران



سرشناسه	منصور آبادی، عباس، ۱۳۴۰ -
عنوان قراردادی	ایران، قوانین و احکام Iran.Laws, etc
عنوان و نام پدیدآور	آیین دادرسی کیفری ۱ / عباس منصور آبادی،
فضل الله فروغی	
مشخصات نشر	تهران: نشر میزان، ۱۳۹۵
مشخصات ظاهری	۳۲۰ ص.
فروست	نشر میزان؛ ۱۰۲۴.
شابک	978-964-511-823-3
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	کتابنامه.
موضوع	آیین دادرسی جزایی — ایران
وضع	Criminal procedure -- Iran
موضوع	حقوق جزا — ایران Criminal Law -- Iran
رده بندی کنگره	۶۲۱۰/م۸۲۹: KMH
رده بندی دیویی	۳۴۵/۵۵۰۵
شماره کتابخانه ملی	۴۴۸۶۱۳۲

هرگونه تکثیر از مجله، کیپی، فایل الکترونیکی و... از این اثر بدون اخذ مجوز
 از ناشر، قانون بوده و پیگرد قانونی دارد.
 لطفاً در صورت استفاده، شماره تلفن های ذیل اطلاع دهید.

۱۰۲۴

نشر میزان

آیین دادرسی کیفری (۱)

دکتر عباس منصور آبادی

دکتر فضل الله فروغی

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۵

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

شماره: ۱۰۰ نسخه

شابک: ۳-۸۲۳-۵۱۱-۹۶۴-۹۷۸

دفتر مرکزی: خ شهید بهشتی، بعداز چهارراه سهروردی، خ کاووسی فر، کوچه نکبسا، پلاک ۳۲، تلفن ۸۸۵۴۹۱۳۱

فروشگاه مرکزی: خ انقلاب، رویروی درب اصلی دانشگاه تهران، ابتدای خ فخر رازی، پلاک ۸۳، تلفن ۶۶۴۶۷۷۷۰

واحد پخش و فروش: خیابان سمیه، بین مفتوح و فرصت، پلاک ۱۰۴، تلفن ۸۸۳۴۹۵۲۹-۳۱

وبسایت: www.mizan-law.ir mizannasher@yahoo.com پست الکترونیکی:

به جای تفرین بر تاریکی، شمع بیافروز؛
حتی اگر گوشه بسیار کوچکی از زمین را روشن سازد.

بارها شنیده‌ام از شما که از کسی که دست به خطایی می‌زند، چنان سخن می‌گویید که خود یکی از شما نیست؛ ناشناسی است در میان شما که ناخوانده به بیان شما پا نهاده است. ولی من می‌گویم که حتی پاکان و راستکاران هم از بالاترین مرتبه‌ای که در یکایک شما هست برتر نمی‌روند؛ و ناپکاران و ناتوانان هم می‌توانند از پایین‌ترین مرتبه‌ای که در شما است فروتر افتند. و همچنان که یک درخت زرد نمی‌شود مگر در پرتو آگاهی خاموش تمام درخت، خساکار نیز می‌تواند خطایی مرتکب شود مگر با اراده پنهان همه شما. شما با هم صف می‌کشید و به سوی خویشن خدایی خودگام برمی‌دارید. راه شما باید و رونده شما در هند می‌که یکی از شما از پای می‌افتد، افتادنش هشداری است برای آن‌ها که از پشت سر می‌آیند تا پایشان به سنگ نگیرد. و همچنین هشداری است از برای آن‌ها که از پیش رفته‌اند و با آنکه تیزروتر و استوارتر بوده‌اند، سنگ را از سر راه رداشته‌اند.

جبران خلیل جبران

فهرست مطالب

۱۳	 مقدمه
۱۷	 گفتار آغازین: شناسایی آیین دادرسی کیفری
۱۷	 بند نخست: تعریف و موضوع آیین دادرسی کیفری
۱۹	 بند دوم: تاریخچه سیستم‌های مختلف دادرسی کیفری
۲۱	 بند سوم: دادرسی کیفری در ایران
۲۷	 بند چهارم: دادرسی کیفری در اسلام
۲۹	 بند پنجم: اهداف و نقش اجتماع آیین دادرسی کیفری
۳۱	 بند شش: اجرای آیین دادرسی کیفری
۳۲	 نخست: منابع آیین دادرسی کیفری
۳۴	 دو: تفسیر مقررات آیین دادرسی کیفری
۳۴	 سه: قلمرو اجرای مقررات آیین دادرسی کیفری در زمان
۴۱	 فصل نخست: سازمان و صلاحیت کیفری
۴۱	 گفتار نخست: شناسایی سازمان کیفری
۴۲	 بند نخست: سازمان کیفری اداری
۴۲	 نخست: ضابطان دادگستری
۴۶	 دو: سازمان زندان‌ها
۴۷	 بند دو: سازمان کیفری قضائی
۴۸	 نخست: دادرها
۴۸	 الف: دادرای عالی و انتظامی

- ۵۰ ب: دادرشاهای تالی
- ۵۴ ج: وظایف و اختیارات دادرشاه
- ۵۷ دو: دادگاهها
- ۶۲ گفتار دو: صلاحیت مراجع کیفری
- ۶۲ بند نخست: تعریف و اصول حاکم بر صلاحیت
- ۶۳ نخست: تعریف صلاحیت
- ۶۴ دو: اصول حاکم بر صلاحیت
- ۶۶ بند و: اقسام صلاحیت
- ۶۸ نخست: صلاحیت اولی / اصلی
- ۶۸ الف: صلاحیت ذاتی
- ۷۷ ب: صلاحیت شخصی
- ۸۷ ج: صلاحیت خبر
- ۹۲ دو: صلاحیت اضافی
- ۹۳ الف: صلاحیت اضافی ناشی از ارتباط جرائم
- ۹۷ ب: صلاحیت اضافی ناشی از احاله
- ۹۸ بند سه: اختلاف در صلاحیت
- ۹۹ نخست: قواعد حاکم بر حل اختلاف در صلاحیت
- ۱۰۰ دو: صورت‌های اختلاف در صلاحیت و حل آن
- ۱۰۳ فصل دو: شناسایی دعوای عمومی
- ۱۰۵ گفتار نخست: زیان‌دیده و تعقیب دعوای عمومی
- ۱۰۶ بند نخست: پیوند دعوای عمومی و دعوای خصوصی
- ۱۰۷ نخست: آثار و جنبه‌های مختلف جرم
- ۱۱۳ دو: جدایی دعوای عمومی و خصوصی
- ۱۱۵ بند دو: شکایت کیفری
- ۱۱۵ نخست: شکایت و شرایط آن

۱۱۸	دو: شاکی و شرایط او
۱۲۰	سه: حقوق و امتیازات شاکی
۱۲۵	چهار: نقش شاکی در تعقیب دعوای عمومی
۱۲۹	بند سه: دعوای خصوصی
۱۳۱	نخست: موضوع دعوای خصوصی
۱۳۲	الف: ضرر و زیان مادی
۱۳۶	ب: ضرر و زیان معنوی
۱۳۷	ج: منافع ممکن الحصول
۱۳۸	د: خسارات دادرسی
۱۳۹	دو: طرفین و تشریفات طرح دعوای خصوصی
۱۴۱	گفتار دو: شرایط تعقیب دعوای عمومی
۱۴۳	بند نخست: تعلیق تعقیب کیفری
۱۴۴	نخست: قانونی بودن تعقیب
۱۴۵	دو: متناسب بودن تعقیب
۱۴۸	سه: تعلیق تعقیب در ایران
۱۵۱	بند دو: تعقیب با تشریفات خاص
۱۵۱	نخست: مصونیت‌ها
۱۵۲	الف: مصونیت سیاسی
۱۵۳	ب: مصونیت قضائی
۱۵۵	ج: مصونیت پارلمانی
۱۵۶	دو: اناطه کیفری
۱۵۷	الف: موارد صدور قرار اناطه
۱۵۸	ب: آثار صدور قرار اناطه
۱۵۸	سه: جنون متهم
۱۶۱	بند سه: سقوط دعوای عمومی
۱۶۲	نخست: فوت متهم یا محکوم علیه
۱۶۴	دو: مرور زمان

- ۱۶۹..... سه: اعتبار امر مختوم
- ۱۷۱..... الف: مفهوم و مبنای قاعده
- ۱۷۲..... ب: شرایط اعتبار امر مختوم
- ۱۷۵..... چهار: نسخ، غفو و توبه

فصل سه: تحقیقات مقدماتی..... ۱۷۹

- ۱۸۰..... گفتار نخست: جایگاه تحقیقات مقدماتی
- ۱۸۰..... بنابر نخست: مفهوم و اهمیت تحقیقات مقدماتی
- ۱۸۱..... نخست: مفهوم تحقیقات مقدماتی
- ۱۸۲..... دو: اهمیت تحقیقات مقدماتی
- ۱۸۳..... بند دو: اصول حاکم بر تحقیقات مقدماتی
- ۱۸۳..... نخست: قضا، انکشاف
- ۱۸۵..... دو: غیر علنی بودن
- ۱۸۶..... سه: غیر ترافعی بودن
- ۱۸۸..... چهار: فوری بودن
- ۱۸۹..... بند سه: همکاری ضابطان در تحقیقات مقدماتی
- ۱۹۰..... نخست: تردید آمیز بودن وقوع جرم
- ۱۹۱..... دو: جرائم غیر مشهود
- ۱۹۲..... سه: جرائم مشهود
- ۱۹۳..... گفتار دو: فرآیند تحقیقات مقدماتی
- ۱۹۴..... بند نخست: گردآوری ادله و اطلاعات
- ۱۹۵..... نخست: شناسایی ادله و وسیله های اثباتی
- ۱۹۵..... الف: تعریف ادله و مدل های اثباتی
- ۱۹۸..... ب: اهمیت ادله اثبات کیفری
- ۲۰۰..... ج: اصول حاکم بر ادله اثبات کیفری
- ۲۰۵..... دو: چگونگی گردآوری ادله و وسیله های اثباتی

۲۰۷	الف: اظهارات اصحاب امر کیفری
۲۱۵	ب: امور مادی و خارجی مربوط به ارتکاب جرم
۲۲۰	ج: ادله خاص
۲۲۶	بند دو: اخذ تأمین از متهم
۲۲۸	نخست: اصول و قواعد کلی حاکم بر قرارهای تأمین
۲۳۵	دو: قرار منع خروج از کشور
۲۳۷	سه: قرار بازداشت موقت
۲۴۱	چهار: قرار وثیقه
۲۴۶	پنج: قرار کفالت
۲۴۸	شش: قرارهای التزام به حضور
۲۴۹	هفت: قرار نذارت قضائی
۲۵۰	بند سه: اظهار نظر نهایی
۲۵۱	نخست: تصمیم ماری
۲۵۱	الف: قرار جلب به دادرسی
۲۵۳	ب: قرار منع تعقیب
۲۵۶	دو: تصمیم شکلی
۲۵۹	فصل چهار: دادرسی و صدور
۲۶۰	گفتار نخست: اصول حاکم بر دادرسی
۲۶۰	بند نخست: عادلانه بودن دادرسی
۲۶۳	نخست: بهره‌مندی از حق دادخواهی و حق دفاع
۲۶۵	الف: دسته نخست حقوق دفاعی
۲۶۸	ب: دسته دوم از حقوق دفاعی
۲۷۴	ج: دسته سوم از حقوق دفاعی
۲۷۸	دو: استقلال و بیطرفی و شایستگی قضائی
۲۷۹	الف: استقلال قضائی

- ۲۸۰ ب: بی طرفی قضائی
- ۲۸۱ ج: شایستگی قاضی
- ۲۸۲ بند دو: ترافعی و علنی بودن دادرسی
- ۲۸۳ نخست: ترافعی بودن دادرسی
- ۲۸۴ دو: علنی بودن دادرسی
- ۲۸۹ بند سه: دادرسی در زمان معین و با حضور اصحاب دعوا
- ۲۸۹ نخست: برگزاری دادرسی در زمان معین
- ۲۹۲ دو: برگزاری دادرسی با حضور اصحاب دعوا
- ۲۹۳ گفتار دوم: رسیدگی و صدور رای
- ۲۹۳ بند نخست: مقدمات رسیدگی
- ۲۹۳ نخست: تشخیص صلاحیت و تکمیل بودن تحقیقات
- ۲۹۴ الف: تشخیص صلاحیت
- ۲۹۸ ب: تکمیل بودن تحقیقات
- ۲۹۹ دو: ارجاع به میانجی گری
- ۳۰۱ بند دو: چگونگی رسیدگی و صدور رای
- ۳۰۱ نخست: ترتیب رسیدگی
- ۳۰۵ دو: صدور رای و آثار آن
- ۳۱۵ منابع
- ۳۱۵ یکم: فارسی
- ۳۱۸ دوم: عربی

به قد و چهره هر آن کس که شاه خوبان شد جهان بگیرد اگر دادگستری داند

حافظ

۱. در دنیای امروز، کیف و گسترده‌ای از قواعد و مقررات حقوقی زندگی اجتماعی را در بر گرفته است. حقیق دانان این قواعد و مقررات را به دو رشته متمایز تقسیم می‌کنند: بخشی از آن «حق تعریف ماهوی»^۱ و بخش دیگر را «حقوق شکلی / آیین دادرسی»^۲ می‌خوانند. منظور از حقوق ماهوی، آن دسته از قواعد و مقرراتی است که «حق و تکلیف» را تعریف و تعیین می‌کند و آن دسته از قواعد و مقررات که «چگونگی اثبات و اجرای حق و تکلیف» را ترسیم می‌کند، حقوق شکلی به شمار می‌آید. برای دستیابی به عدالت و برقراری نظم و امنیت در جامعه، اجرای هر یک از این دو دسته از مقررات در جای خود ضرورت دارد؛ ولی آیین دادرسی به مقررات و قواعد ماهوی عینیت می‌بخشد و آن‌ها را در جامعه جاری می‌سازد. از این رو، آیین دادرسی ابزار اصلی برقراری عدالت، نظم و امنیت در جامعه قلمداد می‌شود. به عبارت دیگر، بدون عدالت قضائی نمی‌توان تعادل و توازن را در سایر زمینه‌های اجتماعی برقرار ساخت. ابزار اصلی برای تأمین و تضمین عدالت قضائی، آیین دادرسی در مفهوم عام است. در پرتو مقررات آیین دادرسی، این امکان برای جامعه به وجود می‌آید که تشکیلات قضائی را بر پا سازد و دادرسان شریف و دادگر را برای رسیدگی به جرائم، رفع خصومت‌ها و حل و فصل دعاواها و اختلاف‌ها به کار گمارد. دادرسان بر اساس معیارها، اصول و

1. Substantive Law

2. Adjective/Procedure Law

قواعد آیین دادرسی، این مهم را به انجام می‌رسانند. بنابراین، آیین دادرسی بخش جدایی‌ناپذیر عدالت قضائی است و بدون آن نمی‌توان به عدالت اجتماعی دست یافت.^۱

۲. باتوجه به تقسیم‌بندی حقوق ماهوی به حقوق مدنی و کیفری، آیین دادرسی نیز به نوبه خود به آیین دادرسی مدنی و کیفری تقسیم می‌شود. در آیین دادرسی مدنی، چگونگی رسیدگی به دعوای مدنی و در آیین دادرسی کیفری، چگونگی رسیدگی به

۱. در آغاز سخن اشاره به این نکته لازم است که تاریخ یک سده گذشته کشور ما گواه این است که مهم‌ترین خواسته و غنچه مردم، برقراری دادگستری و دادرسی عادلانه بوده است. نهضت مشروطیت در اواخر دوران حکومت قاجار با انگیزه تأسیس عدالتخانه و دستیابی به یک نظام دادرسی مبتنی بر عدالت آغاز و به تحولی بنیادی و ساختار حقوقی جامعه ما منجر شد. یکی از مهم‌ترین دست‌آوردهای مشروطه، تصویب قانون‌های اصول تشکیلات عدلیه، اصول محاکمات حقوقی (آیین دادرسی مدنی) و اصول محاکمات جزایی (آیین دادرسی کیفری) بود. از آن پس، دادگستری نوین بر اساس قانون‌های یاد شده در کشور ما ایجاد گردید. جریان تصویب قانون اصول محاکمات جزایی (آیین دادرسی کیفری) مصوب ۱۳۳۰ هـ/ ۱۲۹۱ ش، حاکی از آن است که از همان زمان، آیین دادرسی کیفری یکی از چالش‌های مهم نظام حقوقی و قضائی ما بوده است. افزون بر این، تصویب این قانون در مجرای شورای ملی با تعطیلی مجلس رو به رو می‌شود و در آن هنگام مرحوم حسن پیرنیا (مشیرالدوله) وزیر عدلیه (دادگستری) به و با گرفتن موافقت هیئت وزیران، در وزارت عدلیه کمیسیونی مرکب از آقایان نصرالله تقوی، محمد علی روغری (دادالملک) و میرزا رضا خان طباطبایی نائینی تشکیل می‌دهد و کار تدوین این قانون را به کمیسیون یاد شده واگذار می‌کند. این کمیسیون با بهره‌گیری از مشاوره مرحوم سید حسن مدرس و فرانسیس آدولف پرینی (معروف به سید پرین) این قانون را تدوین می‌کند. با آن که این متن را مجلس تصویب نمی‌کند ولی هیئت وزیران آن را به عنوان اساس قانون موقتی اصول محاکمات جزایی، اجرا می‌کند. این قانون، با وجود «نسخ گزینی» تا سال ۱۳۹۴ که قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ تصویب و به اجرا در آمد، در کشور ما اجرا می‌گردید. گزارش پایانی قانون یاد شده از این قرار است: «قانون محاکمات جزایی دارای پانصد و شش ماده پیشنهادی وزارت عدلیه در کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی شور اول آن به اتمام رسیده و شور ثانی آن نیز تا ماده یکصد و هفتاد تمام شده بود که در این وقت به واسطه منقعه شدن مجلس شورای ملی متوقف گردیده و قانون مزبور ناتمام ماند. نظر به اهمیت و فوریت قانون مزبور و لزوم و کثرت احتیاج مردم به آن از طرف وزارت عدلیه از امضاءکنندگان حاجی سید نصرالله و ذکاءالملک و میرزا رضا خان طباطبایی تقاضا شد به معاونت و مشاورت حضرتین آقای آقا سید محمدحسن مدرس و آقای مشیرالدوله و با این نظایات جناب مسیو (پرینی) پرکورردولت قوی شوکت جمهوری فرانسه مستشار عدلیه شور دوم قانون مزبور را به اتمام برسانیم که از طرف هیئت عدلیه وزراء موقتاً به موقع اجرا گذاشته شود تا پس از افتتاح مجلس شورای ملی به مقام هیئت مقننه شده بعد از جرح و تعدیل و تحصیل نظریات نمایندگان ملت از آن مقام منع گذشت قانونیت کامله حاصل کند. لهذا در مدت دو ماه با حضور آقایان مدرس و مشیرالدوله و جلب نظریات جناب مستشار شور دوم آن را به اتمام رسانیدیم و موافقت آن با قوانین مقدسه اسلامی و عادات و اخلاق مملکت نیز به قدر مقدور رعایت شده است نصرالله‌التقوی، ذکاءالملک، رضا‌الطباطبایی نائینی». مرحوم مدرس در تأیید قانون چنین گفته است: «بسم‌الله الرحمن الرحیم حقیر در کمیسیون مجلس دارالشوری و کمیسیون خارج حاضر بودم و به قدر امکان سعی نمودم الضرورات تبیح المحذورات امور جزایی که به محاکم صلیحه و محاکم جنایی اختصاصی که بر طبق قانون تشکیلات باشد ارجاع می‌شود، موافق شرح‌انور است و مواد متعلقه به امور اداری مخالفتی با قوانین اسلامی ندارد. فی ۲۳ شهر رجب ۱۳۳۰ امضاء سید حسن مدرس». این متن زیر عنوان «کتاب چهارم: قوانین موقتی محاکمات جزایی» در کتابخانه مجلس شورای ملی با شماره ۲۸۲۴۳ به ثبت رسیده است و جزو مجموعه ادواری قوانین محسوب نمی‌گردد. ولی از همان زمان به عنوان یکی از قانون‌های مصوب دوره اول قانون‌گذاری به‌شمار آمده است.

دعوی کیفری (عمومی) مورد مطالعه قرار می‌گیرد. آیین دادرسی کیفری عهده‌دار عملی ساختن قوانین و مقررات ماهوی کیفری است و دست‌یابی به اهداف حقوق کیفری را امکان‌پذیر می‌سازد. محور و موضوع اصلی آیین دادرسی کیفری، دعوی عمومی (کیفری) است و در آن مقررات مربوط به چگونگی طرح و تعقیب دعوی عمومی (کیفری)، چگونگی رسیدگی به دعوی یاد شده و صدور حکم در باره آن و چگونگی اجرای حکم کیفری گفتگو می‌شود. این‌ها فرآیند طرح و رسیدگی به دعوی عمومی (کیفری) را تشکیل می‌دهند. افزون بر این، چه در آیین دادرسی مدنی و چه در آیین دادرسی کیفری، گذشته از بررسی تشریفات طرح دعوا و تشریفات رسیدگی به دعوا، بررسی شکایتی که برای رسیدگی به دعوا برپا می‌شوند، نیز ضرورت دارد.

۳. در این راستا باید به این پرسش‌ها پاسخ داد: ۱- در ساختار قضایی کنونی چه بخش‌ها و مقام‌هایی عهده‌دار تعقیب و رسیدگی به دعوی عمومی‌اند؟ ۲- منظور از «دعوی عمومی کیفری» چیست و با «دعوی خصوصی/حقوقی» چه پیوندی دارد؟ ۳- برای جهت‌یابی به دعوی عمومی چه کارها و تشریفات باید انجام شود؟ ۴- اثبات دعوی عمومی/کیفری با چه چیزهایی و چگونه است؟ پاسخ‌های نخستین ما به این پرسش‌ها از این‌ها خواهند بود: - سازمان عهده‌دار رسیدگی به دعوی عمومی/کیفری ترکیبی از سازمان اداری و قضائی است که در پیوند با یکدیگر این کار را انجام می‌دهند. برای انجام این کار، هر یک از بخش‌های اداری و یا قضائی در چهارچوب نوعی تقسیم کار، رسیدگی را انجام می‌دهند که این تقسیم کار در آیین دادرسی «صلاحیت» خوانده می‌شود. بر پایه قواعد صلاحیت، حدود اختیارات و وظایف مراجع کیفری قابل تشخیص است و این مراجع تنها اجازه دارد به دعوی عمومی/کیفری رسیدگی نمایند. ۲- دعوی عمومی، دعوی است که برای پیگرد کیفری متهم توسط دادستان پی‌ریزی می‌شود و وی به عنوان مدعی‌العموم و نماینده جامعه، طی آن از دادگاه کیفری خواستار رسیدگی به اتهام انتسابی به متهم و تعیین مجازات برای وی می‌شود. ۳- دادرسی کیفری در نظام حقوقی و قضائی ما به چهار مرحله/بخش تقسیم می‌شود: مرحله نخست تعقیب متهم و تحقیق پرامون اتهام انتسابی به او است که از این مرحله به عنوان «مرحله تحقیقات مقدماتی» یاد می‌شود. تشریفات این مرحله از این قرار است: بازجویی‌های نخستین، تفهیم اتهام، اخذ تأمین، اعلام

بی‌گناهی و گنهکاری یا متهم و صدور کیفرخواست. مرحله دوم، «مرحله دادرسی در معنای خاص» است که دادگاه کیفری در چهارچوب کیفرخواست به اتهام انتسابی به متهم رسیدگی می‌کند و در باره آن حکم صادر می‌کند. اگر به رأی دادگاه نخستین اعتراض شود، پرونده برای رسیدگی به اعتراض حسب مورد به دادگاه تجدیدنظر و یا دیوان عالی کشور فرستاده می‌شود و دادگاه تجدیدنظر برای بار دوم به پرونده رسیدگی نموده و حکم صادر می‌کند و دیوان عالی کشور به صورت فرجامی به اعتراض رسیدگی نموده و نسبت به تأیید و یا نقض رأی تصمیم می‌گیرد. این مرحله، «مرحله تجدیدنظر و فرجام نامیده می‌شود. در پایان دادرسی طی تشریفات که برای اجرای هر یک از احکام کیفری رعایت آن‌ها الزامی است، رأی را اجرا می‌کند. مرحله پایانی دادرسی کیفری «مرحله اجرای حکم» خوانده می‌شود. هر چیزی که در پیوند با یک واقعه جنایی برای دادرس (رشن‌گری) داشته باشد، می‌تواند برای اثبات کاربرد داشته باشد و باید در چهارچوب تشریفات دادرسی که برای این منظور قابل شناسایی است، کشف و مورد استناد قرار داده شود.

۴. بدین ترتیب، مطالب آیین دادرسی کیفری از این قرارند: ۱- سازمان و صلاحیت کیفری، ۲- شناسایی دعوای عمومی/کفای، خصوصی، ۳- تحقیقات مقدماتی و ۴- رسیدگی کیفری، ۵- تجدیدنظر کیفری، ۶- اجرای احکام کیفری، و ۷- اثبات کیفری. پیش از ارایه مطالب یاد شده، باید حد و مرز و بیشینه تاریخی آیین دادرسی کیفری را مورد مطالعه قرار دهیم. از این رو، مطالب مورد نظر را این دادرسی کیفری در یک گفتار آغازین و شش فصل قابل بررسی‌اند: شناسایی و شکل‌گیری آیین دادرسی کیفری (گفتار آغازین)، سازمان و صلاحیت کیفری (فصل نخست)، شناسایی دعوای عمومی (فصل دو) و تحقیقات مقدماتی (فصل سه)، رسیدگی کیفری (فصل چهار)، تجدیدنظر کیفری (فصل پنج) و اجرای احکام کیفری (فصل شش) و اثبات کیفری (فصل هفت). گفتار آغازین و فصل‌های نخست تا چهار، جلد نخست این دوره را در برمی‌گیرد و فصل‌های پنج تا هفت در جلد دو خواهد آمد.